



مجادلات اقتصادی در جمهوری اسلامی

از مصاحبه رادیو پرتو با ایرج فرزاد

lraj.farzad@gmail.com

گردش و میزان نقدینگی گرفته تا بانک و بانکداری دخیل و ذبنفع اند. مکانیسمهای قوانین بازار و سودآوری سرمایه را نمیتوان از طریق دخالت دولت مهار کرد. در شرایطی که در ایران چندین مراکز سیاسی وجود دارند که در کنار حضور فرمال کابینه و مجلس و دولت تصمیم گیرندگان اصلی و هستند، چنین کنترل و نظارتی صرفا تضاد و کشمکش آنها را بازتاب میدهد و نه نشانه یک سیاست اقتصادی به معنی اخص آن.

رادیو پرتو: تا آنجا که به صفحه ۲

رادیو پرتو: گفته میشود مصوبه مجلس مربوط به انجماد قیمت برای دفاع از مردم ضعیف از نظر اقتصادی و دفاع از آنها! در مقابل گرانی و تورم کمرشکن است، موضوع چیست؟

ایرج فرزاد: بحث کنترل دولت بر مکانیسمهای اقتصاد بازار سرمایه داری در شاخص ترین نمونه آن یعنی شوری سابق شکست خود را نشان داد. در جمهوری اسلامی که چندین نهاد موازی تصمیم گیری هست، ادعای کنترل بحران و تورم و گرانی بیشتر به یک شوخی شبیه است. واقعیت این است که جمهوری اسلامی رژیمی



mostafa.assadpoor@telia.com

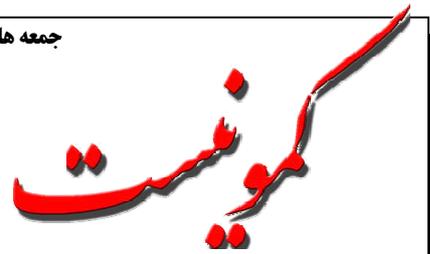
فاجعه زلزله و امواج تسونامی در کرانه اقیانوس هند در دامنه گسترده ای جوامع مصیبت زده را تحت تاثیر قرار داد.

ابعاد باور نکردنی تلفات انسانی، دامنه حیرت آور خرابی ها و چشم انداز غم انگیز ترمیم روحی و مادی ساکنین منطقه بر کسی در سراسر دنیا پنهان نماند. بقیه در صفحه ۳

به درک که میمیرند!

مصطفی اسدپور

آنچه که بعنوان بازار بورس شناخته میشود، دیگر به یک جزء آشنا در زندگی روزمره مردم تبدیل شده است. نه فقط آدمهای پولدار که بقیه هم آنها به خود مربوط میدانند. چند در صدی بالا یا پایین، شاخصی از اوضاع اقتصادی را بدست میدهد. این یکی همانند شاخص ها و ضریب هایی از قبیل میانگین درآمد یا توزیع امکانات رفاهی یا سطح اشتغال سر راست و قابل فهم نیست. اما به روشنی تصویری از اوضاع زندگی مردم مربوطه بدست میدهد. از حال که بگذریم



azam_kamguyan@yahoo.com

بر علیه فرمان حجاب که درست چند روز قبل از این روز رسماً توسط خمینی اعلام شد، تبدیل گردید. دهها هزار زن در این روز در تهران و تبریز و شیراز و سنندج در اعتراض به فرمان حجاب خمینی به خیابانها ریختند و فریاد زدند "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم" و "آزادی، نه شرقی نه غربی، جهانی است" و با پلاکاردها و شعارهای خود علیه حکم حجاب اسلامی ایستادند. قداره بندان حزب الله با تیزبر و زنجیر به صفوف زنان و مردان آزادیخواه حمله کردند و بسیاری را زخمی و دستگیر نمودند. نطفه جنبش آزادیخواهی زنان علیه قوانین اسلامی و برای آزادی و برابری در این مقطع بسته شد. اکنون سالهاست که زنان و مردان آزادیخواه در ایران به صفوف اعتراض

بقیه در صفحه ۴

هشت مارس سنگری در تحقق آزادی زن و آزادی

اعظم کم گویان

هشت مارس روز جهانی زن، یکی از فرازهای جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی و یکی از لحظه های درخشان در تاریخ انسانیت معاصر و محصول ابتکار جنبش کارگری انقلابی و سوسیالیستی در حدود یک قرن پیش است. حدود صد سال است که زنان و مردان حق طلب هر سال در این روز اعتراض خود را در سطح جهان به مردسالاری و زن ستیزی و به نظام سرمایه داری بعنوان عامل و مسبب ستم بر زن و نابرابری و بی حقوقی زنان اعلام می کنند.

در ایران در گرماگرم انقلاب ۵۷ و حدود دو هفته پس از بقدرت رسیدن جمهوری اسلامی، ۸ مارس (۱۸ اسفند) به مقطع مصاف جنبش آزادیخواهی زنان

گوشه ای از فعالیت های حزب کمونیست کارگری عراق

صفحه ۴

وضعیت بن بست و بلاتکلیفی است که دورنمای سیاست تغییر رژیم بوش و بلر در عراق را تاریک کرده است. غرب و آمریکا نیز این نقطه ضعف خود را می‌شناسند و میدانند که جمهوری اسلامی ظرفیت کارشکنی و خرابکاری را در عراق و از طریق تقویت جریان‌های اسلام سیاسی دارد. به نظر من غرب تصمیم دارد که در شرایط فعلی حتی الامکان جمهوری اسلامی را خنثی و بی اثر کند و زیاد خود را با آن تا زمانی که معضل عراق را دارد درگیر نکند. سران جمهوری اسلامی هم سعی میکنند این را نشانه تحمیل خود به غرب بدانند. اما این وضعیت کاملاً موقتی است. تصور اینکه این وضعیت ناپایدار و امتیازگیری و امتیازدادنهای موقتی به یک رابطه با ثبات از نظر اقتصادی هم برسد، موهوم و بی پایه است. سران رژیم اسلامی میخواهند با نشان دادن ظرفیت تروریسم در خاورمیانه، و بویژه در عراق از غرب باج سیاسی بگیرند. اما از سوی دیگر قادر نیستند پراگماتیسم فرصت طلبانه سیاست و دیپلوماسی دول غربی را هضم کنند. بحران اقتصادی سرمایه تحت حاکمیت رژیم اسلامی ریشه دارتر و عمیق تر از آنست که بتوان با این مانورها و مسکن های موقتی راه برون رفتی یافت.



رژیم میهن یا وطن خود ایران میدانند. رادیو پرتو: در مورد مسائل هسته ای و نقش رژیم اسلامی در عراق گفته می شود که جمهوری اسلامی سعی میکند به غرب نزدیک بشود تا جایی که به قول عادل سفیرج سا در انگلستان روابط اقتصادی میان ایران و اروپا نهادینه گردد. آیا اینجا شانس هست؟

ایرج فرزاد: من فکر میکنم کشورهای اروپائی بویژه یک سیاست کاملاً پراگماتیستی را در رابطه با دولتهای دیکتاتوری بویژه در "جهان سوم" تعقیب کرده و کماکان تعقیب میکنند. د. نمونه روابطی که اینها با رژیم شاه داشتند و یا نمونه رابطه ای که با رژیم صدام حسین داشتند خیلی شاخص است در این رابطه. این روزهای قبل از سقوط این دو تا رژیم از تثبیت این رژیم ها صحبت می کردند برای اینکه سرمایه گذاری بکنند، از اینکه هیئت های بازرگانی خودشان را بفرستند، قرارداد بنویسند و... دیدیم که رژیم شاه را حتی در واپسین روزهای حکومتش حافظ جزیره آرامش و دارای چهارمین ارتش دنیا ارزیابی کردند. تا زمانی که دولتی، هر دولتی با هرماهیت ضدانسانی که قدرت را داشته باشد، از نظر دولتهای اروپائی نماینده رسمی آن جامعه تلقی شده است. اما از اینها گذشته یک فاکتور در این زمینه مهم است و آن هم

اقتصادی ضرر میدهند و به سوبسیدهای دولتی متکی اند. طبیعی است که خصوصی سازی و واگذاری این بخشها به بخش خصوصی انگیزه ای را تولید نمیکند. به همین خاطر است که مقامات رسمی خود رژیم اسلامی هم اذعان دارند که طرح خصوصی سازیهایشان نتوانسته است نه سرمایه داخلی و نه سرمایه خارجی را جذب کند. به علاوه نباید فراموش کرد که سرمایه علاوه بر تضمین سودآوری به امنیت میان مدت و دراز مدت نیاز دارد که در جمهوری اسلامی چنین فاکتوری به خاطر متزلزل بودن حاکمیت اسلامی نیز موجود نیست. و اینکه اقتصاد و سیاستهای اقتصادی تا این اندازه سست و بی پایه است در اینجا ریشه دارد. وقتی کارکرد سرمایه و پول و کالا به راحتی میتواند با تصمیمات فلان آیت الله و فلان نهاد امنیتی و فلان مقام ذبنفوذ کان لم بکن شود، بازار از این آشفته تر است. آری به نظر من اقتصاد تحت رژیم اسلامی تا زمانی که بحران اقتصادی به مانع جدی تر بحران سیاسی گره نخورد، متزلزل و پادروا امروز را به فردا حواله کردن است. این واقعیت از جانب نشریاتی مانند اکونومیست که قوانین حرکت سرمایه را می‌شناسند بهتر بیان میشود تا مثلاً جریاناتی که در هر حال رژیم اسلامی را

جناحهای رژیم که کانالهای اقتصادی را کنترل کرده اند.

رادیو پرتو: تا آنجائیکه به مصوبات مجلس مربوط می شود صحبت از وامهای مسکن، وامهای مربوط به ازدواج و... در میان است از طرف دیگر زمزمه اظهارات تهدید آمیزی هست که مثلاً که جلو سرمایه خارجی را هم خواهیم گرفت. جلو خصوصی سازیهایی که خاتمی هم شروع کرد خواهیم گرفت و همه اینها به عنوان پیشنهاداتی که از مجلس می آید می شنویم. آیا اینها چوب لای چرخ می گذارند یا زمینه ها و سیاست های اقتصادی ایران آنقدر پا در هوا است که می تونه با این مصوبه ها و با این لایحه ها و بحث ها به این شدت چپ و راست بشه؟

ایرج فرزاد: بطور واقعی بحثی بود در درون ج — که چند سال قبل در دوره رفسنجانی امتحان شد و به شکست انجامید. سعی کردند ادای یک حکومتی را دربارند که سرمایه داری متعارف را راه اندازی آند و پیش ببرد. آن باصطلاح دکترین رفسنجانی به دلیل سیاسی و ساختار اسلامی رژیم به شکست انجامید. بطور واقعی آنچه که ما بعنوان اقتصاد در ایران میبینیم بجز نفت که منبع بودجه دولت و ذخائر ارزی و غیره است، ما با مجموعه ای از شرکتهای دولتی روبرویم که از نظر

دو خردادی ها در مقابل مجلس مربوط میشود یا کسانی که به اصلاح کارشناسان

اقتصادی و تکنوکرات هستند می گویند که این نوع مجادلاتا مصرف پوپولیستی داره و می خواهند در رابطه و بخصوص در این شیش / هفت ماه برای انتخابات ریاست جمهوری با آن رای جمع کنند آیا شما در این رابطه چه فکر می کنید؟

ایرج فرزاد: وقتی خود دست اندرکاران ماجرا از اصل مساله پرده برمیدارند، فکر نکنم نیازی به توضیح چندانی نباشد. یک انتخابات را پیش رو دارند، در همان حال بیکاری و بیکار سازیهای وسیع بیداد میکند، وضعیت حقوق های معوقه، سردواندن معلمان، فقر و فلاکت و آمار وحشتناک کودکان خیابانی و تن فروشی و اعتیاد و... جامعه را به حالت انفجاری در آورده است. در چنین شرایطی است که رژیم میخواهد هر چند فرمال و نمایشی، یک مضحکه انتخاباتی دیگر راه بیاندازد تا جناحهای آن حداقل مشروعیت خود را به رخ یکدیگر بکشند. گرفتن پز دفاع از اقشار ضعیف جامعه با سیاست انجماد قیمتها عینا کارکرد سیاسی دارد. اگر نه طی این چندین سال حاکمیت رژیم اسلامی دیده ایم که برای مثال سوبسید برای برخی تولیدات و واردات عملا حمایتهای دولتی بوده است از آن بخشی از

رادیو پرتو

بخش اینترنتی برنامه ها

www.radiopartow.com

بزودی روی طول موج کوتاه شروع بکار خواهد کرد!

به حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست پیوندید!

بقیه از صفحه ۱

مردم، بزرگ و کوچک و از جمله انسانهای کارکن و نان آور از میان رفته بودند. از چیزی بعنوان محل کار اثری باقی نمانده بود. چیزی در بساط نمانده بود تا بتوان با آن تا سالهای متمادی داد و ستد موثر را سازمان داد تا چه برسد به سود دهی! سقوط آزاد همه شاخص های زندگی آن مردم، طبیعی ترین انتظار بود. در این میان بازار بورس در کل آن منطقه کورس کاملاً متفاوتی را در پیش گرفت. در مقابل چشمان حیرت زده، خوشبینی بروز داد و حتی با صعود چند درصدی به تماشای جد و جهد شهروندان برای بقاء نشست. این واکنش بازار بورس در سه دلیل "ساده" نهفته بود. اولاً اینکه علارغم دامنه بسیار گسترده خرابی ها، بدلیل فقر عمومی مصیبت زدگان، حجم مادی واقعی تلفات مادی قابل توجه نبود. دوم اینکه علارغم آمار چند صد هزار نفری، بدلیل عدم وجود هر نوع بیمه های شخصی، تلفات انسانی مربوطه هم عواقب مالی قابل توجهی را بهمراه نداشت. و بلاخره دلیل سوم اینکه این مردم با سرعتی بسیار سیر بازسازی و از سرگیری زندگی عادی را در پیش خواهند گرفت. فقر آنها، وابستگی آنها به دریا و ماهیگیری و عدم وجود سیستم حمایت دولتی و وابستگی ساکنین به توریسم، همه و همه چاره ای بجز این را در مقابل این مردم قرار نمیدهد. باید این مصیبت را بسرعت پشت سر بگذارند!

بازار بورس هرگز با سانتی مانتال و عواطف و اومانیسیم قرابتی نداشته است. اما این واکنش، این خوشبینی برای پول و سود

در میان اوج ویرانی، در رسانه ها بعنوان قساوت آشکار، جنون، اوج مادیت پرستی کافرانه همراهی گردید. هرچه بود اما سه هفته پس از فاجعه، بورس این کشورها، خود و استدلالهایشان را موفق ارزیابی میکنند. و چرا که نه؟

در طی این مدت دوربینهای تلوزیونی و گزارشات مربوطه واقعتی به تلخی خود فاجعه را در مقابل چشمان ناباور جهانیان قرار دادند. ما توانستیم شاهد باشیم که بازار و بورسش حق داشت. دیدیم آدمها و ساکنین این مناطق، صدها هزار، چند میلیون نفر، میتوانند خاک مصیبت بر سر بریزند. اما بدلالی ساده در زمینه مالی و اقتصاد اجتماعی این رخداد از اهمیت زیادی برخوردار نبود. وزن زیادی نداشت. مگر دار و ندار این مردم همان موقع که سیل نبرده بود چقدر قابل اعتنا بود؟ مگر امکانات اجتماعی، رفاهیات و ساختار زیر بنایی از جمله راهها و بیمارستانهای ساکنین چقدر بود که برایش غصه خورد؟ بیمه و خسارت مالی و معنوی برای آن مردم هرگز در میان نبود. مگر زنده و مرده آنها فرقی میکند که صندوق دولت و بانک ها و بیمه ها لازم باشد خم به ابرو بیاورند؟ تصاویر ارسالی یکی بعد از دیگری شوک وارده بر مردم دنیا در دوردستها را افزایش میداد. رقم کمک های مالی در صندوقهای خیریه رکوردهای بیسابقه را بجا میگذاشت. اما بدون دسترسی به این کمک ها، خود آن مردم چاره ای نداشتند جز اینکه بسرعت فاجعه را "پشت سر" بگذارند. فقر، شکم گرسنه، حکم باران و طبیعت، حکم خطرات تازه

تر، بیماری ها، راه حل دیگری پیش روی آنها نمیکذاشت حتی اگر کمرشان زیر مصیبت خرد شده بود. در برنامه های خبری شاهدیم که چگونه پروسه شناسایی و یافت تک به تک توریستهای میهمان و ماجرای بیمه و پرداخت خسارت به پروسه ای کشارتر تبدیل میگردد. و در مقابل، ساکنین بومی با "کمال میل" عزیزان خود را حتی بدون تشریفات شناسایی به گورهای دست جمعی میسپارند. میبینیم که چگونه آلونک ها و کرجی ماهیگیری را گل هم میکنند. چگونه با عجله مخروبه ها را از انظار دور میسازند تا مبادا توریستها راه خود را به مقاصد تازه تر کج کنند.

سواحل اقیانوس هند صحنه تکرار تجربه ای دردناک از یک واقعیت سرسخت از زندگی انسانی شد و آن اینکه طبیعت، تسلیم را با بیرحمی تمام مجازات میکند. این نه قدر قدرتی طبیعت، ضعف انسانهاست که از آن یک غول بظاهر غیر قابل مهار میسازد. در طنزی تلخ، تو گویی سیستم اقتصادی ناظر بر زندگی انسانها و بازار بورس بعنوان سمبل آن، از همین الگو تقلید میکند. از منظر این مناسبات، فقر و نداری و بدتر از آن قناعت، باید با فقر بیشتر پاسخ داده بشود. انسان تسلیم، انسان به تسلیم رانده شده در این مناسبات با سیه روزی پاداش میگیرد. زنده و مرده اینها، تا زمانیکه ارزان تمام بشود، تا زمانیکه خودشان را هم ارزان باز تولید میکنند؛ به یک اندازه مفت و بی ارزش به حساب می آیند. اومانیسیم گردانندگان این سیستم هم یک نمایش مسخره از بی ارزشی

انسان فرودست است. در همین مورد اقیانوس آرام نگاه کنید چگونه در یک تباری بین المللی مسئولین و مسببین فاجعه را از زیر ضرب بدر میبرند. از آنها فرشته نجات میسازند. قیافه و زندگی و تباهی مردم قربانی را با کمال میل در مقابل دوربینها به نمایش میگذارند. آخر ترحم برانگیز است. رقت آور است. دل هر کافری را به رحم میاورد. پول خیریه به همراه میاورد! اما همان مردم، همان قربانی "شایستگی" نزدیک شدن به این منابع را هم ندارد. پایای ارقام منابع خیریه جمعآوری شده، شبکه عظیمی از دستگاه مافیای فاسد با دخالت و چشم پوشی دولت های مربوطه شکل میگیرد. باز هم چیزی عاید نیازمندان مصیبت زده نمیشود. تا همینجا، شهروند تایلندی با کار ارزان خود، با اهدا دختر بچه نازنین خود میبایست ضامن جذابیت توریسم نان آورش باشد. و امروز هم همان تایلندی بینوا، و اینبار بخاطر فقری عمیق تر، خرابی ها و عزیزانش را زیر خاک پنهان میکند با عجله به سمت دوربینهای تلوزیونی میدود، بغضش را فرومیخورد تا به نحوی شایسته آمادگی صنعت توریسم کشور مربوطه برای پذیرایی را به گوش جهانیان برساند.

این سناریو میتواند کاملاً متفاوت باشد. کارگر و زحمتکش تایلندی و بنگلادشی و مالزیایی که درب کارخانه را سد کرده باشند، خیابانها را قرق کرده باشند، راه را بر کشتی ها بسته باشند؛ در چرخشی حیرت آور میتوانند، میتوانند، غول بورس و شاخص های سود و بهره کشی را به بند بکشند. به بازی بگیرند.

توقع این مردم، سرکشی آنها، اصرار آنها، مطالباتشان برای زندگی و امنیت و آسایش و رفاه؛ میتوانست طبیعت و موقعیت نکبت بار فعلی زندگی را یکجا به زانو در آورد. میتواند زندگی همسرنوشتان متفاوت باشد. میتواند زندگی مشابه برای صدها میلیون انسان مشابه در سراسر دنیا متفاوت باشد. میتواند حتی در همین مناسبات شاخص های قراردادی اقتصادی و تا حرکت امواج دریاها حکایت از انسانهایی داشته باشد که از ارزش والای حیات و نیازهای انسانیشان کوتاه نمیایند.



حکمت

منتشر شد!
www.hekmat.
cc

اساس

سوسیالیسم

انسان است

گمونست را تکثیر کنید!

به سازمان جوانان گمونست - حکمتیست به پیوندید!

بقیه از صفحه ۱

بین المللی هشت مارس پیوسته اند و مراسمها و تظاهراتهای هشت مارس در تهران و در سنج از نقاط درخشان این سنت آزادیخواهی بین المللی در جامعه ایران هستند.

از آن زمان تا امروز میلیونها زن در ایران سالهاست برای آزادی و علیه حجاب و آپارتاید جنسی و زن ستیزی اسلامی و مردسالاری مبارزه می کنند. زنان در ایران باید آزادی را کسب کنند: آزادی انسان بودن و حرمت داشتن؛ آزادی نه گفتن، آزادی فریاد زدن و دویدن و آزادی لباس پوشیدن، آزادی ابراز وجود و آزادی اعتقاد؛ آزادی

بلند حرف زدن و بلند خندیدن؛ آزادی از ترس، آزادی از خفت و آزادی از گرسنگی؛ آزادی یاد دادن و آزادی آموختن؛ آزادی از حکومت دینی؛ آزادی از خشونت، آزادی از ناپرابری در زندگی جنسی و آزادی برابر بودن. این آزادیخواهی باید در هشت مارس پیشروی کند.

هیچ زمانی مانند دوره معاصر و امروز، جامعه ایران تشنه آزادی زن نبوده است. جنبش زنان برای رهایی و برابری از ۸ مارس ۵۷ تاکنون قدمهای بزرگی به جلو برداشته و در عرض و عمق بالغ و عمیق شده است. این گفته معروف فوریه که مارکس آن را در متن نقد

عمیقا انسانی خود از رابطه زن و مرد در نظام سرمایه داری و ستمکشی زن طرح کرد، بیش از هر زمانی در امروز ایران مصداق دارد: "آزادی زن معیار آزادی جامعه است." مارکس رابطه زن و مرد در خانواده و جامعه را انعکاسی از سطح ترقی و پیشرفت اجتماعی می دید. او بر ستمکشی زن که ریشه آن را نه در اقتصادیات و آرا و افکار واپسگرایانه و ارتجاعی قرون وسطی بلکه در مناسبات بورژوازی حاکم و نظام مالکیت خصوصی و کارمزدی می دید، تاکید کرد و با اشاره به گفته فوریه نوشت: "شاخص آزادی و پیشرفت هر جامعه ای،

رهایی و پیشرفت زنان در آن جامعه است و موقعیت عمومی زنان در جامعه مدرن سرمایه داری غیر انسانی است. پیشروی زنان بسوی رهایی همواره معیار تحول و تکامل هر دوره ای از تاریخ است. چرا که درست در رابطه زنان با مردان و ضعیف نسبت به قوی است که غلبه و پیروزی طبیعت انسانی بر توحش آشکار و عیان می شود. رهایی زنان در جامعه شاخص سنجش رهایی کل آن جامعه است. موقعیت حقارت بار زنان وجه مشخصه تمدن معاصر است، همانطور که زنان در دوران بربریت و توحش، موقعیت فرودستی داشتند با این تفاوت که در دوران

بربریت ستم بر زنان بطرز آشکار و بدون ابهام و پیچیدگی اعمال می شد. در جامعه معاصر سرمایه داری ستم بر زنان بشکلی پیچیده، فریکارانه، مبهم و ریاکارانه اعمال می شود"

هشت مارس سنگری علیه توحش نظام سرمایه داری و برای تحقق آزادی زن و آزادی جامعه است. زنان و مردان حق طلب و آزادیخواه باید در تدارک هرچه وسیعتر و با شکوه تر این روز جهانی و تحکیم این سنگر پایدار مبارزه برای آزادی و برابری باشند.

زنده باد هشت مارس

زنده باد آزادی و برابری

گوشه ای از فعالیت های حزب کمونیست کارگری عراق

بغداد

اعتصاب کارگران بخشهای مختلف صنایع شیمیایی با موفقیت به پایان رسید!

روز چهارشنبه ۰۵/۰۱/۲۰۰۵ کارگران بخشهای مختلف صنایع شیمیایی در بغداد دست به یک اعتصاب زدند. این اعتصاب بمنظور تحقق مطالبات کارگران مبنی بر افزایش دستمزدها، کاهش ساعات کار و بهبود شرایط کار و نیز لغو تصمیم در مورد اخراج یک فعال کارگری از کار و همدین خواست برکناری یکی از مدیران در کارخانه صورت گرفت. کارگران همزمان با انجام اعتصاب در مقابل در

ورودی کارخانه اقدام به ایجاد پیکت نمودند. کارگران در ادامه با برپائی تجمع اقدام به ایجاد شورای کارگران نمودند و در همین تجمع با کمک فعالین (اف. وی. سی. یو. آی) هیئت مذاکره با مدیریت صنایع شیمیایی را انتخاب کردند. که پس از مذاکره هیئت منتخب کارگران با نمایندگان کارفرما حدود ۹۰٪ از خواسته های کارگران به کارفرما تحمیل شد.

بدین ترتیب کارگران صنایع شیمیایی با انجام اعتصاب و ایجاد پیکت در مقابل در ورودی کارخانه در همان روز اول به پیروزی بزرگی رسیدند و به اعتصاب خود پایان دادند.

قابل ذکر است که در طی اعتصاب مدیریت کارخانه بمنظور فریب کارگران و طفره رفتن از پاسخگویی به خواست آنان از کارگران خواست تا خواسته هایشان را از کانال

سندیکائی مستقل خود را معرفی میکند ولی از تأیید حکومت برخوردار است، مطرح نمایند. که کارگران در پاسخ نه تنها با این پیشنهاد مخالفت نمودند بلکه با تعرض به نمایندگان سندیکای نامبرده، سندیکارا متعلق به مدیران کارخانه منتصب کردند.

پس از خاتمه اعتصاب و کسب این پیروزی بزرگ صدها کارگر از صنایع شیمیایی خواهان عضویت در (اف. وی. سی. یو. آی) شدند.

بغداد

یک گروه ویژه از نیروهای مسلح حزب رهبر یک باند تبهکار را دستگیر کردند! روز یکشنبه ۰۲/۰۱/۲۰۰۵ گروهی از نیروهای مسلح حزب در بغداد رهبر یک باند تبهکار را در محله البتاوین دستگیر نمودند. محله نامبرده در قلب شهر بغداد قرار گرفته و جولانگاه برخی از باندهای تبهکار شده و به منطقه ای ناامن تبدیل شده است. طبق گزارش گزارشگر الامن که از طرف حزب در بغداد منتشر میشود،

بدنبال شکایت یکی از شهروندان بغداد که به مقر حزب در خیابان الرشید، ارائه داده که از جانب یک باند مورد تعرض و تاراج قرار گرفته است. بدنبال آن حزب با کسب اطلاعات کافی گروه ویژه ای را برای این ماموریت تعیین نمود که در نتیجه یک عملیات کمین گذاری رهبر این باند بدام افتاد و دستگیر شد. پس از تحقیقات مشخص شد که این تبهکار در ارتباط با پلیس بغداد نیز هست.

تهیه و تنظیم از: علی عبدالی

برنامه تلویزیون پرتو

برنامه ای است از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

این برنامه ها هر دوشنبه ساعت ۱۱ تا ۱۲ شب به وقت تهران - ۸/۳۰ تا ۹/۳۰ ظهر به وقت اروپای مرکزی و ۱۲/۳۰ تا ۱۳/۳۰ به وقت غرب آمریکا - از کانال یک روی ماهواره تکه استار ۱۲ پخش میشود.

این برنامه سه شنبه ها ساعت ۱۱ تا ۱۲ ظهر به وقت تهران مجددا پخش میشود.

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!